وجه تعدد قرائات و دلالت « علی مکث » بر ترجیح افراد القرائة

آیه می فرماید: «وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النّاسِ عَلى مُكْثٍ وَ نَزَّلْناهُ تَنْزِيلا[1]». «مکث» یکی از چیزهایی است که بعداً باید بگوییم. خیلی جالب است. می‌گویند دلیل اینکه قرائات به سماع بوده -نه به قیاس- همین «مکث» هست. در لغت عرب هر سه این لغات هست؛ «مَکث، مُکث، مِکث». ولی همه اجماع دارند که «مُکث» است. اگر قرار بود که به لغت باشد اینطور نمی‌شد. البته یکی روایتی از عاصم در کتابهای دیگر دیدم که شاذ است. اجماع قرائات معروفه «علی مُکث» است. احدی «مَکث» نخوانده است. خب حالا این «مُکث» یعنی چه؟ « وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النّاسِ عَلى مُكْثٍ»، این «مُکث» چیست؟ اگر مبادی بحثهای ما صاف شود می‌بینید که آدم چیزهای بیشتری از «مُکث» می‌فهمد. ای آیه «وَ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً واحِدَةً كَذلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَكَ وَ رَتَّلْناهُ تَرْتِيلا[2]»، تثبیت فواد. اینها را قبلاً در این مباحثه عرض کردم که تثبیت باب تفعیل است، «فرقناه» یا «فرّقناه» که در قرائت دیگر دارد «علی مُکث». یعنی وقتی شما یک آیه می‌خوانید می‌بینید وجوه دیگری هم به ذهنتان می‌آید. فقط یک وجه رائجش نیست.

شاگرد: در اینجا وجه دیگرش چیست؟

استاد: «مُکث» به‌معنای «تأنی و فاصله انداختن» است. جبرئیل وحی را آورده اما می‌بینید «لتقرأه علی الناس علی مکث»، همین افراد القرائة. شما فعلاً این را می‌خوانید. و در یک مجلس اقراء دیگر، دیگری را می‌خوانید. «علی مُکثٍ»؛ یعنی کاری که قاری های الآن می‌کنند را حضرت نمی کردند؛ مثل

به این صورت بخوانند «وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ/ سُعِّرت[3]»؛ در اینجا او دارد بین دو قرائت جمع می‌کند. حضرت این کار را نمی کردند. هیچ جا نقل نشده است. یک نقل ندارد.

و لذا بنباز در فتوایش دارد –در ساحتش هست- می‌گویی خوب نیست که در یک قرائت هم «ملک» و هم «مالک» را بخوانی. چرا؟ چون در سنت از حضرت نقل نشده است. ولی جدا جدا می‌توانی بخوانی. بعد می‌گویی «ولو قرأ بهما صحّت صلاته قطعاً»؛ ولو هر دوی آنها را با هم بخواند نمازش باطل نیست اما سنت نیست. سنت بر این نبوده.

«فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ[4]»، علی نجومه نجوم[5]، نزل نجوما[6]؛ اصطلاح نجومی؛ انسان چیزهای جدیدی از آن می‌فهمد که با مبادی که برایش صاف شده درک می‌شوند؛ اگر صاف نشده که باید بورد تا برایش صاف شود. انسان نباید علی العمیاء و علی الجهل جلو برود؛ اگر برای انسان صاف شد که این مبادی درست است، یک عینک جدیدی پیدا می‌کند که می‌بیندازی خیلی از آیات و روایات، چیزهای دیگری می‌فهمد. این خیلی دل نشین است.

[1]الاسراء ۱۰۶

[2]الفرقان ۳۲

[3]التكوير۱۲

[4]الواقعه ۷۵

[5]الكافي (ط - الإسلامية)، ج۲، ص: ۵۹۹

[6]بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۱۳۹

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 15:28:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 10:05:57 توسط ... .